

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه بینه

استاد ضرابی د ی ۱۳۹۹

جلسه سوم ۹۹/۱۰/۲۵

آیات شریفه: «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲) فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۳)» - فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه هایی پاک را تلاوت کند (۲) که در آنها نوشته های استوار است «

عنوان : رهایی و نجات تنها به تأیید الهی و راهبری آسمانی

«رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ» انسان هرگز از چنگال پلیدیها و شرور نمی تواند رها شود مگر به تأیید الهی و راهبری آسمانی که فرستاده از سوی خداوند هستی بخش باشد. این حقیقت را انسانها در طول تاریخ زندگیشان بر روی کره خاکی بارها و بارها تجربه کرده اند و شاهد بوده اند که تلاش ها و چاره جویی هایش در برابر شیاطین هرگز به نتیجه نرسیده مگر آنگاه که به ستوه آمدند و از غیر خدا مأیوس شدند و دست به دعا برداشتند و از خداوند فرستادن منجی آسمانی را طلبیدند که تأیید و فرمانی از جانب خداوند با خود داشته باشد.

حافظه تاریخ این حقیقت را که هرازگاهی تکرار شده است بخوبی به خاطر دارد و قرآن بر آن شهادت می دهد: «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا - افراد ستم دیده می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما! «(نساء/۷۵)

آیات قرآن خبر از اراده ازلی خداوند مبنی بر نصرت و غلبه قطعی رسولان و مؤمنان بر مستکبران و ظالمان می‌دهند» وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَ إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ «(صافات: ۱۷۱ - ۱۷۳)

آن پیک نامور که رسید از دیار دوست آورد حرزِ جان ز خط مشکبار دوست
خوش می‌دهد نشان جمال و جلال یار خوش می‌کند حکایت عزّ و وقار دوست

عنوان : بعد از ایمان به خدا تنها و تنها یک تکلیف

هر کسی از خواب غفلت بیدار شده باشد، این نکته را دریافته است که همه آفرینش در عالم دنیا و آخرت بر اساس اراده و فرمان الهی تحقق یافته و می‌یابد؛ بنابراین وقتی زندگی و حیات براساس فرمان و اراده او در جریان است، هر اراده‌ای در مقابل اراده الهی، تباهی، خسارت و پشیمانی را به دنبال دارد؛ از این نظر بندگان خوب خدا همان چیزی را می‌خواهند که خدا بخواهد؛ این تنها درس قرآن و عترت و تعلیم همه انبیاء بعد از ایمان به خداست ؛ (مطیع خواست و اراده خیر مطلق، خداوندگار هستی بودن) «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ - بگو شما را تنها یک مؤذنه می‌کنم و آن اینکه قیامتان برای خدا باشد.» (سبا/۴۶)

طبیعی است که پیامبران آموزگاران با تجربه همین درس بزرگ‌اند؛ «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى - (پیامبر) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. سخن او جز وحی که به او نازل می‌شود، نیست.» (نجم/۴۳ و ۴۴)

روایای صادق‌های از امام (ره) مضمون این درس را به تصویر کشیده است (ایشان در کلاسی پای تابلو برای شاگردانش (شهید بهشتی، مقام معظم رهبری، باهنر، مطهری، مشکینی و برخی دیگر) توضیح می‌دادند که درس این است که قبل از آنی که نوشتن حدیث بر روی تابلو تمام شود باید نویسنده‌اش محو شود. بعد شروع کردند به نوشتن؛ با آغاز اولین، محو شدند. بعد از پایان درس از یکی از شاگردانش خواستند که بیاید پای تابلو و بنویسد.

او شهید مطهری بود، هنوز چند کلمه‌ای ننوشته بود که محو شد، بعد از او چند نفر دیگری به همین ترتیب با اشاره امام آمدند و با تفاوت‌هایی موفق شدند، امام ره نیز با رضایت‌مندی یک یک آنها را تأیید نمودند؛ اما در انتها، چهره‌ای که در انقلاب مسئولیت‌هایی داشته و از سابقین نیز بود و همه او را می‌شناختند، به اشاره امام آمد و حدیث را تا به انتها نوشت و نتوانست محو شود. امام و حاضران با غضب به او نگاه می‌کردند و او مانند یک وصله ناجوری در میان جمع، جز شرمندگی حرفی برای گفتن نداشت.

«يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً»: تعبیر «یتلوا» هم حکایت از این دارد که رسول الهی از نزد خود هیچ نمی‌گوید و متن فرمان الهی را بر مردم می‌خواند و تعبیر «مطهرة» در «صُحُفًا مُطَهَّرَةً» حکایت از این دارد که صحیفه‌های الهی مبرا از هر گونه عیب و نقص، آلودگی و انحراف‌اند. «اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» خداوند به آنچه به سوی تو نازل کرده شهادت می‌دهد و ملائکه نیز شهادت می‌دهند و خدا در شهادت کافی و بس است». (نساء/۱۶۶)

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده ی فضلی تو سزاوار ثنایی

عنوان: در سپاه حق همیشه پیروز باشیم

امام خمینی (ره) سفارش می‌فرمود دعای روز سه‌شنبه را بسیار بخوانید. «... اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْعَالِيُّونَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَإِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنَّ أَوْلِيَاءَكَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ...» - خدایا مرا از سپاهیان قرار ده، چراکه همانا فقط سپاه تو پیروز است و مرا از حزب خود قرار ده که تنها حزب تو رستگار است؛ و هم از دوستان قرارم ده که بر دوستان ترسی نیست و اندوهگین نمی‌شوند»

خداوندا حضوری بخش ما را اجابت کن به فضلت این دعا را

در سپاه حق شکست مفهومی ندارد؛ زیرا آنکه به وظیفه عمل می‌کند پیروز است؛ چه بکشد و چه کشته شود. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ - بگو که آیا شما منافقان جز یکی از دو نیکویی (بهشت و یا فتح) چیزی می‌توانید بر ما انتظار برید؟» (توبه/۵۲)

«فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ»: در لسان آیات، کتاب و کتابت خداوند به معانی مختلفی بکار رفته است که همه در ریشه و اصل خود از سنت‌های پایدار و استوار الهی خبر می‌دهند مانند این آیه شریفه: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ - خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.» (مجادله/ ۲۱)

و می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ - ما (که خدای توانایم) البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا ظفر و نصرت می‌دهیم و هم روز قیامت که گواهان (اعمال نیک و بد) به شهادت برخیزند (مؤمنان را به مقامات بهشتی پاداش می‌دهیم)» (غافر/ ۵۱)

عنوان: خود را چگونه ارزیابی می‌کنیم؟

در کتب قیم الهی (سنت‌های استوار خداوند) یکی از سنت‌ها این است که اگر کسی از خدا بخواهد، می‌تواند خود را در آئینه اولیای الهی به چهره‌ی واقعی خود ببیند. امروز ما می‌توانیم خود را در اشک‌های زلال مولایمان علی (علیه السلام) ببینیم تا ارزیابی درستی از خود داشته باشیم؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آخرین خطبه خویش قبل از شهادتش فرمود: «مَا ضَرَّ إِخْوَانُنَا الَّذِينَ سَفِكَتَ دِمَائَهُمْ وَهُمْ بِصَفَيْنِ إِلَّا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءَ يَسِيغُونَ الْعَصَصَ وَ يَشْرَبُونَ الرِّنْقَ قَدْ وَاللَّهِ لَقُوا اللَّهَ فَوَفَّاهُمْ أَجُورَهُمْ وَ أَحَلَّاهُمْ دَارَ الْأَمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ... - برادران ما که خونشان در صفین ریخته شد ضرر نکردند که اگر امروز زنده بودند، خوراکشان غم و غصه و نوشیدنی شان اندوه می‌شد؛ قسم به خدا در حالی خدا را ملاقات کردند که خدا اجرشان را به تمامی داد و بعد خوف آنها را ایمن کرد. کجایند برادران من که راه حق را رفتند؟ عمار کجاست؟ ابن تیهان کجاست؟ ذوالشهادتین کجاست؟ (خزیمه

بن ثابت بن فاکه بن ثعلبة بن ساعدة انصاری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهادت او را به جای شهادت دو نفر پذیرفتند) و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند، و سرهایشان را برای ستمکاران فرستادند؟ (پس در این زمان دست بر محاسن شریف خود برد و زمانی طولانی گریست) و سپس مُجَدِّد فرمود: دریغا از برادرانم که قرآن را خواندند و بر اساس آن قضاوت کردند. در واجبات الهی اندیشه کرده و آنها را برپا داشتند. سُنَّتِ های الهی را زنده و بدعت ها را نابود کردند. دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اعتماد و اطمینان داشتند و از او پیروی کردند. سپس با صدای بلند فرمود: جهاد! جهاد! ای بندگان خدا! که امروز من آماده ام و هر که قصد خروج الی الله دارد با من بیاید...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

گل اشکم شبی وا می‌شد ای کاش	همه دردم مداوا می‌شد ای کاش
به هر کس قسمتی دادی خدایا	شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش